

نقاشی آموزشی، آموزشی مطبوع برای کودک

فرانک موسوی^۱

(۱) دانشیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

*نویسنده مسئول: frnkmosavi@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله ۹۹/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت مقاله ۹۹/۰۴/۰۸

چکیده

نقاشی هنری است که در آن کودک، تصویرهای ذهنی خود را از اطراف، به کمک شکل و رنگ نشان میدهد. نقاشی کودک در اصل یک پیام و بعنوان ابزاری که آنچه را که او نمی تواند به لفظ در آورد از آن طریق به ما انتقال می دهد. در واقع با ابزاری چون نقاشی، کودک همه مسائل زندگی خود را به تجربه در آورده، خود را می آزماید. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای عاطفی و هیجانی اوست. به طور کلی می توان گفت که نقاشی یعنی به وجود آوردن پدیده ای که وجود خارجی ندارد و انسان با ابزارهایی که در اختیار دارد آن پدیده را از نیستی به هستی در می آورد. از نقاشی و به طور کلی هنر های تجسمی، به عنوان ابزاری برای برون فکنی، تخلیه هیجانی و ارائه افکار و نشان دادن احساسات و تعارضات و تمایلات درونی استفاده می شود. پس نقاشی به طور کلی وسیله، زبان و یا راهی است برای انتقال هرچه بهتر مطلب. گاه نقاشی کتاب پا را از مطلب فراتر می گذارد و علاوه بر کمک به درک مطلب، خود نیز اطلاعات و یا حس دیگری را به بیننده منتقل می کند. هدف از این مقاله بررسی تاریخیچه، اهداف، عناصر، وسایل و ابزار، مزایای، ویژگی ها، مخاطبان نقاشی آموزشی، کاربرد نقاشی در فعالیت های تربیتی، اصول نقاشی آموزشی به روش مرور و ارائه پیشنهاد و نتیجه گیری می باشد.

کلید واژگان: اصول نقاشی، نقاشی آموزشی، یادگیری ترکیبی

مقدمه

تجربه های یادگیری، هر چه از حواس بیشتری استفاده شود، نتیجه بهتری به دست خواهد آمد. با این حال در نحوه استفاده از رسانه های نوشتاری حتی از حس بینایی نیز استفاده بهینه به عمل نمی آید. بارزترین محدودیت و ضعف رسانه های نوشتاری، تجربیدی بودن آنها است. شاید این باور که تنها نوشته است که سخن را ثبت می کند و اعتقاد به این که فرهنگ بشری فقط به وسیله متن نوشتاری توانسته است انتقال یابد و...، موجب بی اعتقادی به تأثیر مؤثرتر رسانه های غیر نوشتاری شده باشد. لوی استروس^۱ معتقد است شماری از جامعه های به اصطلاح ابتدایی، فاقد نوشتارند و تأکید کرده است که

در یک ضرب المثل چینی آمده است: «ارزش یک تصویر برابر ده هزار واژه است». انسان به طور طبیعی وابستگی شدیدی به حس دیداری از خود نشان می دهد و تمایل دارد ساخت کلام و گفتار را با ساخت بصری مربوط کند. علت این تمایل کاملاً قابل فهم است و یکی از دلایل عمده آن، طبیعت بشر است. در جامعه ها آموزش با اتکا و اصراری که بر آموزش از طریق متن نوشتاری دارد از سایر رسانه های آموزشی کم تر بهره می برد، همواره با افت آموزشی و تداوم نیافتن یادگیری مواجه است. در

نوشتار با خط یکی نیست و دستگاه علائم گرافیکی، معنایی گسترده‌تر از خط دارد.

قدمت نقاشی در بین انسان‌ها، شش برابر قدمت استفاده از زبان نوشتاری است. تصویری که کودکان از خودشان می‌کشند با تصویری که آن‌ها از خودشان در ذهن دارند ارتباط مستقیم دارد. یکی از راه‌ها و وسایل پرورش کودکان که معمولاً کم‌تر موردتوجه قرار می‌گیرد ولی قبل از هر وسیله و پیش از هر چیز دیگر می‌تواند به آموزش کمک کند نقاشی است. رنگ و تصویر بیش از هر چیز دیگر ذهن بچه را متوجه خود می‌کند و در عین حال وسیله‌ای است که بچه قبل از هر چیز می‌تواند به خلق آن بپردازد. برای درک رنگ و تصویر کافی است که چشم ببیند و برای خلق آن کافی است که بچه دستش را در رنگ آغشته کند و آن را بر در و دیوار یا روی هر چه که دم‌دستش باشد حتی به سر و صورت و لباس خود بمالد. اگر نقاشی عمیق‌ترین وسیله آموزش کودک نباشد می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین و اولین وسیله آموزش اوست.

یکی از هنرهایی که می‌تواند در تربیت کودک سهم به‌سزایی داشته‌باشد نقاشی است. تجربه‌ها نشان می‌دهد که چگونه از نقاشی می‌توان به ابزاری برای عمق بخشیدن به درک فراگیران بهره گرفت. همان‌طور که تکیه بر «نوشتن برای آموختن»، به‌عنوان ابزاری برای عمق بخشیدن به فهم فراگیران مطرح شده، نقاشی نیز ابزاری دیگر است که از طریق آن می‌توان فراگیران را به تفکر عمیق درباره آن‌چه که می‌دانند و آن‌چه که مشاهده کرده‌اند، تشویق کرد و از نقاشی برای برانگیختن کنجکاوی نیز در آنان بهره گرفت و منتج به بروز خلاقیت در آنان شد (شانان، ۲۰۰۱، ترجمه سالاری).

نقاشی آموزشی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در یادگیری و تدریس در حوزه‌های مختلف، به ویژه در آموزش هنر و علوم، مورد توجه قرار گرفته است. در زیر چند تعریف علمی از نقاشی آموزشی به همراه منابع معتبر

ارائه می‌شود:

نقاشی آموزشی، فرآیندی است که از طریق آن دانش‌آموزان با استفاده از تکنیک‌های نقاشی، مفاهیم و اطلاعات را درک و تجزیه و تحلیل می‌کنند. این فرآیند به تقویت خلاقیت و تفکر انتقادی کمک می‌کند و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا احساسات و ایده‌های خود را به صورت بصری بیان کنند" (لاون فیلد بریتین^۱، ۱۹۸۷). نقاشی آموزشی به عنوان یک ابزار تدریس، می‌تواند به یادگیری عمیق‌تر مفاهیم کمک کند و ارتباطات بصری را تقویت کند. این نوع نقاشی نه تنها به عنوان یک فعالیت خلاقانه بلکه به عنوان یک روش یادگیری چندحسی عمل می‌کند " (آیزنر^۲، ۲۰۰۲).

"نقاشی آموزشی، یک روش یادگیری است که از طریق آن دانش‌آموزان می‌توانند تجربیات خود را به تصویر بکشند و از این طریق به فهم عمیق‌تری از موضوعات دست یابند. این روش به ارتقاء مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله کمک می‌کند" (کترال^۳، ۱۹۹۸). نقاشی آموزشی به عنوان یک ابزار ارتباطی، می‌تواند به انتقال مفاهیم پیچیده کمک کند و یادگیری را جذاب‌تر سازد. این نوع نقاشی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا با استفاده از تخیل و خلاقیت، اطلاعات جدید را پردازش کنند " (گاردنر^۴، ۱۹۹۳).

این تعاریف نشان‌دهنده اهمیت نقاشی آموزشی در فرایند یادگیری و تأثیر آن بر توسعه مهارت‌های شناختی و خلاقیت دانش‌آموزان است.

تاریخچه نقاشی آموزشی

زمانی که حرف و کلام وجود نداشت، تصاویر و اشکال، پیام انسان‌ها را به یکدیگر منتقل می‌کردند. قدیمی‌ترین نقاشی‌ها در دنیا، در گروته شاوله فرانسه قرار دارد. این نقاشی‌ها که با استفاده از افرای قرمز و رنگ دانه سیاه حکاکی و رنگ شده‌اند، تصاویری از اسب‌ها، کرگدن‌ها،

^۳ . Catterall

^۴ . Gardner

^۱ . Lowenfeld Brittain

^۲ . Eisner

آثار و شواهدی که از کتاب «ارژنگ» مانی به دست آمده است، نشان می‌دهد که این کتاب بیشتر جنبه نقاشی داشته و از طریق نقاشی به تبلیغ و ترویج پرداخته است. به طوری که در برخی کتاب‌های تاریخی به مانی لقب «پیامبر نقاش» داده شده است.

شاید تصویری بودن کتاب به خاطر استفاده عامه مردم و عمومیت بخشیدن به آن باشد، زیرا در آن زمان، بسیاری از مردم از توانایی خواندن و نوشتن بی‌بهره بوده‌اند. بهره‌گیری از رسانه‌های غیر نوشتاری، به‌ویژه نقاشی، با هدف آموزش مردم در کشور ما از گذشته‌های دور رواج داشته است. شب‌هایی که داستان رستم و سهراب نقل می‌شد، از شلوغ‌ترین، شب‌های قهوه‌خانه محسوب می‌شد و در این میان، پرده‌های بزرگ نقاشی که نقاشان به همین منظور کشیده بودند، دیوارهای قهوه‌خانه‌ها را مزین می‌ساختند. مخاطبان در حالی که به سخنان نقال گوش می‌دادند، به تصویرها نیز خیره می‌شدند و گفته‌هایش را با تصویرها تطبیق می‌دادند. از این طریق ارتباط افراد با داستان‌ها بهتر برقرار می‌شد و خود را در فضای داستان قرار می‌دادند و به‌خوبی آن را حس می‌کردند.

اهداف نقاشی آموزشی

نقاشی آموزشی در کشور ما سابقه‌ای چندان طولانی ندارد و به همین دلیل دچار اشکالاتی نیز می‌باشد. مثلاً گاه نقاشی‌های کتاب‌های ما کپی کارهای فرنگی است. به هر حال نقاشی آموزشی کتب کودکان و نوجوانان اهداف و ویژگی‌های خاص خود را دارد که در بیانی مختصر می‌توان آن را چنین معرفی نمود: «وسیله‌ای است برای جذب و فهماندن هر چه بهتر مطلب به کودک و نوجوان و یا هر مخاطب دیگری».

جذب کودک عامل بسیار مؤثری برای فهم و یادگیری در او می‌باشد. جذب یعنی بیان بسیار زیبای مطلب و به طور طبیعی پیامد این بیان بسیار زیبا، فهم و درک آسان

شیرها، بوفالوها و ماموت‌ها را نشان می‌دهند. این‌ها نمونه‌هایی از نقاشی در غار هستند که در تمام دنیا وجود دارند و طرز زندگی انسان غارنشین را نشان می‌دهند. انسان این آثار را برای تأمین نیازهای حیاتی خود و برقراری ارتباط بی‌کلام با هم‌نوعانش، با ساده‌ترین مواد و ابزاری که در اختیار داشته است، به شیوه‌ای کاملاً واقع‌گرایانه نقاشی کرده است.

با آغاز دوره نویسندگی و تغییر شیوه زندگی انسان از شکارگری به برزگری، تحولات عمیقی در طرز فکر و دیدگاه او نسبت به خود و دنیای پیرامونش به وجود آمد. بنابراین هدف و انگیزه تصویرگری نیز دگرگون شد. نقاشی‌ها در اثر تکرار ساده‌تر شدند و نشان‌دادن جزئیات در آن‌ها به حداقل رسید و با توجه به این که مفهوم آن‌ها کاملاً شناخته شده و بدیهی می‌نمود، به اشکالی نمادین و انتزاعی نزدیک شدند به طوری که برخی از اقوام، برای رسم نقاشی‌های جادویی خود از ساده‌ترین و زمخت‌ترین طرح و نقش استفاده کردند. شاید بتوان چنین تعبیر کرد که نقاشی‌های درون غار عصر «ماگدالنی» نتیجه نهایی تکامل تدریجی بوده‌اند.

بی‌شک ابداع خط یکی از بزرگ‌ترین حوادث و نقطه عطفی در سرعت گرفتن پیشرفت‌های بشری محسوب می‌شود. اما فرهنگ انسانی که آن زمان تحت سیطره‌ی گفتار و زبان بوده است، به تدریج به‌سوی رسم نقاشی روی آورد و انسان تمایلی شدید برای بازگشت به گذشته از خود بروز داد. تجربه استفاده از نقاشی در آموزش‌های غیررسمی در جهان و حتی در کشور خودمان سابقه‌ای تاریخی دارد. مسیحیان سده‌های اولیه در مقبره‌های زیرزمینی خود که «کلتاکومب»^۱ خوانده می‌شدند، دیوار نگاره‌هایی می‌ساختند که تحت تأثیر افکار مسیحیت بودند و از این طریق به توضیح و روایت مهم‌ترین داستان‌های انجیل که بیشتر جنبه تبلیغی و ترویجی داشتند می‌پرداختند. مبلغان مذهبی به‌وسیله این دیوار نگاره‌ها با مردم ارتباط عمیق‌تری برقرار کردند.

مطلب است. اصولاً نقاشی آموزشی در کتاب‌های کودکان این دو هدف را دنبال می‌کند: جذب و انطباق.

اگر مطلبی جذاب نباشد و زیبا و دلنشین بیان نشود، در درجه اول مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در درجه دوم به علت مورد توجه قرار نگرفتن، فهمیده نمی‌شود. حتی اگر فهمیده شود، میان درک و فهم نخست و دوم فرق است. پس در نقاشی آموزشی هدف این است که کودک را جذب کنیم و سپس مطلب را به او بفهمانیم (پژوهشی، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

انسان تنها موجود هنرمند روی زمین است. به عبارتی دیگر هنرمندی شاخص انسان بودن است. از این رو نقاشی هم فعالیتی است انسانی و سازنده که به دلیل کاربرد رنگ در آن نزد افراد دارای محبوبیت خاصی می‌باشد. نقاشی خود به نوعی، بیانگر احساس و افکار افراد است.

خط کشیدن، شروع مرحله خواندن و نوشتن نیز می‌باشد. خط خطی کردن در نگاه نخست نوعی بازی به حساب می‌آید اما به تدریج به جایی می‌رسد که خود را به عنوان تصویر آشکار می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که خط خطی کردن‌ها اولین گام‌های نقاشی کردن را نشان می‌دهند.

عناصر نقاشی

عناصر نقاشی‌های آموزشی کودکان شامل چندین جنبه کلیدی است که به درک و یادگیری آنها کمک می‌کند. در ادامه به این عناصر اشاره می‌شود و ارجاع‌های علمی نیز ارائه می‌گردد:

رنگ:

رنگ‌ها در نقاشی‌های کودکان نقش مهمی دارند و می‌توانند احساسات و حالات مختلف را منتقل کنند. استفاده از رنگ‌های متنوع می‌تواند به یادگیری مفاهیم مختلف مانند ترکیب رنگ‌ها و تأثیرات عاطفی آنها کمک کند (کتر، ۱۹۹۶).

شکل و فرم:

شکل‌ها و فرم‌های مورد استفاده در نقاشی‌های کودکان می‌توانند نمایانگر تفکر انتزاعی و توانایی‌های شناختی آنها باشند. کودکان با استفاده از اشکال مختلف، جهان اطراف خود را تفسیر می‌کنند (لونیلدبریتین، ۱۹۸۷).

خطوط:

خطوط در نقاشی‌های کودکان می‌توانند نشان‌دهنده حرکت، احساسات و ارتباطات باشند. نوع خطوط (مستقیم، منحنی، شکسته) می‌تواند بیانگر حالت‌های مختلف عاطفی کودک باشد (اینسر، ۲۰۰۲).

موضوع:

موضوع نقاشی‌ها معمولاً از تجربیات روزمره یا تخیل کودک ناشی می‌شود. انتخاب موضوع نشان‌دهنده علاقه‌ها و دغدغه‌های کودک است و می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان خود و بررسی هویت شخصی عمل کند (کترال، ۱۹۹۸).

فضا:

نحوه استفاده از فضا در نقاشی می‌تواند نشان‌دهنده درک کودک از محیط و روابط بین اشیاء باشد. کودکان با ایجاد عمق و فاصله در نقاشی‌های خود، مهارت‌های فضایی خود را توسعه می‌دهند (جردنر، ۱۹۹۳).

تکنیک‌ها:

تکنیک‌های مختلف نقاشی (مانند آبرنگ، رنگ روغن، همداد رنگی) می‌توانند بر روی نتایج نهایی تأثیر بگذارند و به کودکان این امکان را می‌دهند که مهارت‌های حرکتی ظریف خود را تقویت کنند (میلر، ۲۰۰۷).

این عناصر و ارجاعات علمی به درک بهتر نقاشی‌های آموزشی کودکان کمک می‌کند و نشان‌دهنده اهمیت هنر در فرآیند یادگیری است.

نقاش کتاب کودک، علاوه بر طراحی و نقاشی، باید با روایت کردن نیز آشنا باشد؛ به طوری که وقتی کتاب یا داستانی را به او می‌دهند، نکات مهم و تأثیرگذارش را بشناسد و انتخاب کند.

در نقاشی کتاب کودکان، شخصیت‌پردازی، رنگ و چاپ، سه عنصر اساسی به‌شمار می‌رود و هر سه در کنار هم

به کار بردن آن‌ها از نظر جذابیت و جلب توجه و روشن بودن پیام، در حد مطلوب می‌باشد
باعث زیبا ساختن محتوای کتاب می‌شوند
مخاطبان را به خواندن کتاب علاقمند می‌سازند
با افزایش دادن قدرت درک مطلب در مخاطبان موجب ایجاد آرامش روحی و روانی در آنان می‌شود (جودیت و بریان، ۱۳۸۸، ۸۱).

ویژگی‌های نقاشی آموزشی

۱. تخیل برانگیزی: این ویژگی باعث می‌شود کودک فراتر از موضوع کتاب و نوشته دامنه تخیلات خود را وسعت بخشد، و به کرات نقاشی کتاب را نگاه کند و هر بار حتی قصه‌ای نو بیافریند. نقاشی که تخیل برانگیز نباشد، در همان قدم اول خود را به تمامی بر کودک آشکار می‌کند و در برخورد های آینده با کودک چیزی نو برای گفتن نخواهد داشت. تخیل برانگیزی باعث تقویت روحیه‌ای لطیف و شاعرانه در کودک می‌شود و در واقع او را به فکر و می‌دارد؛ فکری فارغ از قیود واقعیت. البته و بدون شک همین فکرها هم از واقعیت نشأت می‌گیرند. این ویژگی شامل برخی از قصه‌های کودکان نیز می‌شود، مثل افسانه‌های محلی.

در این افسانه‌ها شخصیت‌های عجیب و غریب خیالی و غیرمنتظره رخ می‌نمایند و... به همین جهت، این دنیا، دنیای زیبایی است و کودک می‌تواند لختی در آن سفر کند. همه می‌دانیم که این قصه‌ها چقدر برای کودکان جذاب‌اند. حال اگر این ویژگی، یعنی تخیل برانگیزی در نقاشی کتاب‌های ما باشد، تا چه حد در جذب کودکان یاریمان می‌کند؟ ناگفته نماند تخیل برانگیزی در همه‌جا برای ما مفید نخواهد بود، مثلاً در نقاشی کتاب‌های علمی کودکان ما نمی‌توانیم چندان پر و بالی به تخیل بدهیم.

۲. تربیتی: نقاشی کتاب‌های کودکان، گاه با ویژگی تربیتی و یا پرورشی فراهم می‌آیند. این ویژگی به این معنا است که ما در نقاشی‌ای که به وجود می‌آوریم و در اختیار

می‌توانند محصول خوبی خلق کنند. مواقعی هست که نقاش، کاری زیبا و باکیفیت ارائه می‌دهد، اما به دلیل مشکلات چاپی، کیفیت نقاشی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. صفحه‌آرایی و مدیریت هنری نیز از مهم‌ترین مراحل تهیه یک کتاب خوب برای کودک است که می‌تواند با انتخاب کاغذ و قطع مناسب، در ارائه یک کار زیبا، اثرگذار باشد (لس هیوود و همکاران، ۱۳۸۰).

وسایل و ابزار نقاشی

به طور کلی مجموعه وسایلی که برای نقاشی به کار می‌روند، به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱. وسایل تأثیرگذار (مثل مداد و پاستل)
 ۲. وسایل تأثیرپذیر (مثل کاغذ و مقوا)
 ۳. وسایل کمکی (مثل چسب، گیره و تخته زیر دستی)
- بیشتر وسایل تأثیرگذار، روی سطوح مختلف اثری به جا می‌گذارند، اما برای این وسایل، سطوح مناسبی ساخته شده‌است تا نقوش را به بهترین صورت و به گونه‌ای ماندگار ثبت کنند. به طور کلی انسان با هر وسیله‌ای که تأثیری بر جای می‌گذارد، نقاشی می‌کند (اولیوریو فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۸۵).

مزایای نقاشی آموزشی

تصاویری که بر روی کاغذ نقش بسته‌اند یا با دست کشیده می‌شوند مزایا و امتیازات زیر را دارا می‌باشند:

- ارزان هستند و کاربرد متنوعی دارند
- درس‌های گذشته را در مدتی بسیار کوتاه مرور کرد
- قدرت تخیل را تقویت می‌کنند
- اشتباهات و سوء تعبیرات را اصلاح می‌کنند
- به مطالعه جزئیات کمک می‌کنند و می‌توان آن‌ها را مقایسه کرد و بعد زمانی و مکانی را شکست
- مطابق با نیازهایی که موضوعات مختلف ایجاب می‌کنند، تهیه شوند
- به درک بهتر مفاهیم اساسی و مهارت‌های کلیدی کمک می‌کنند

کودکان قرار می‌دهیم به مسائل پرورشی اهمیت داده و آن را به کودک منتقل می‌کنیم. اگر گاه به فرنگی بودن نوع نقاشی کتابی ایراد می‌گیریم، در واقع، این ایراد از آنجا سرچشمه می‌گیرد که اهداف تربیتی و یا پرورشی نهفته در این نقاشی مغایر با فرهنگ ماست. ما با ارائه نقاشی در کتاب، به نوعی در پرورش شخصیت کودکان خواننده آن‌ها دخالت می‌کنیم و در پاره‌ای از موارد، حتی الگویی به کودکان ارائه می‌دهیم. ویژگی تربیتی یا پرورشی جنبه‌ای بسیار مهم و قابل توجه است که می‌تواند در پرورش روحیات سالم انسانی و بشردوستانه کودکان نقش مفیدی ایفا کند.

۳. آموزشی: ویژگی آموزشی، یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار مهم و کارآمد نقاشی کتاب‌های کودکان است. برای روشن کردن مطلب مثالی می‌زنیم، وقتی قصه‌ای را نقاشی می‌کنیم که در شمال ایران اتفاق می‌افتد، می‌توانیم از طریق نقاشی، نکاتی را درباره نوع زندگی، لباس، وضعیت جغرافیایی و فرهنگ آن مردم به کودکان بیاموزیم، حتی اگر این نکات در قصه نیامده باشد. ویژگی آموزشی یا تعلیمی، نوعی آموزش غیرمستقیم و دیداری است؛ آموزشی که از طریق دیدن دریافت می‌شود، نقش آموزشی نقاشی اندکی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (پژوهشی، ۱۳۷۳، ص ۴۶ - ۴۸).

مخاطبان نقاشی آموزشی

با توجه به ویژگی‌های نقاشی و مزایای آن می‌توان گفت که نقاشی محدود به طبقه سنی خاصی از افراد نمی‌باشد و همه رده‌های سنی به‌نحوی به‌عنوان مخاطبان آن محسوب می‌شوند. وفاداری به سلیقه و توان درک مخاطب، اصلی است که هم در متن و هم در نقاشی و تصویر، دیده می‌شود. توجه به رده سنی افراد در نقاشی یک کتاب از دل مشغولی‌های نقاشان و تصویرگران تمام دنیا است.

مخاطبان نقاشی آموزشی به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که هر کدام ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود را

دارند. در زیر به برخی از این مخاطبان و جنبه‌های علمی مرتبط با آن‌ها اشاره می‌شود. 1. کودکان • ویژگی‌ها: کودکان به طور طبیعی کنجکاو و خلاق هستند. آن‌ها از طریق بازی و تجربه‌های حسی یاد می‌گیرند • نیازها: نقاشی آموزشی برای این گروه باید جذاب، رنگارنگ و تعاملی باشد. استفاده از موضوعات آشنا و شخصیت‌های محبوب می‌تواند به جلب توجه آن‌ها کمک کند • جنبه‌های علمی: تحقیقات نشان داده‌اند که نقاشی می‌تواند به توسعه مهارت‌های حرکتی، تفکر انتقادی و حل مسئله در کودکان کمک کند. 2. نوجوانان • ویژگی‌ها: نوجوانان در حال شکل‌گیری هویت خود هستند و به دنبال ابراز وجود می‌باشند • نیازها: این گروه به محتوای عمیق‌تر و چالش‌برانگیزتر نیاز دارد. موضوعات اجتماعی، فرهنگی و شخصی می‌تواند برایشان جذاب باشند • جنبه‌های علمی: مطالعات نشان می‌دهند که هنر می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و کاهش استرس در نوجوانان کمک کند. 3. دانشجویان هنر • ویژگی‌ها: این گروه معمولاً دارای دانش اولیه در زمینه هنر و تکنیک‌های نقاشی هستند • نیازها: آن‌ها به دنبال یادگیری تکنیک‌های پیشرفته‌تر و نقد آثار هنری هستند • جنبه‌های علمی: آموزش هنر در دانشگاه‌ها می‌تواند به پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت در دانشجویان کمک کند. 4. بزرگسالان • ویژگی‌ها: بزرگسالان ممکن است تجربه‌های متفاوتی در زمینه هنر داشته باشند، از هنرمندان حرفه‌ای تا افرادی که فقط به عنوان سرگرمی نقاشی می‌کنند • نیازها: این گروه ممکن است به دنبال یادگیری تکنیک‌های جدید یا بهبود مهارت‌های خود باشد • جنبه‌های علمی: تحقیقات نشان داده‌اند که فعالیت‌های هنری می‌تواند به کاهش اضطراب و افزایش خوشحالی در بزرگسالان کمک کند. 5. مربیان و معلمان • ویژگی‌ها: این افراد مسئول آموزش و انتقال دانش هنری به دیگران هستند • نیازها: آن‌ها به منابع آموزشی، تکنیک‌های تدریس و راهکارهای انگیزشی نیاز دارند • جنبه‌های علمی: مطالعات نشان می‌دهند که

آموزش هنر می‌تواند به تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در دانش‌آموزان کمک کند.

نقاشان و تصویرگران با توجه به گروه سنی انتخاب‌شده، ناگزیر به پیروی از نمونه‌هایی هستند که میزان علاقه و درک گروه سنی مخاطب را در بر دارد. نمونه‌های پذیرفته‌شده، گویای رعایت سادگی و رسانایی آنی متن و تصویر در کتاب‌های مصور کودکان و وجود پیچیدگی در کاربرد عناصر دیداری یادشده در گروه‌های سنی بالاتر است (موسوی، ۱۳۹۴).

کاربرد نقاشی در فعالیت‌های تربیتی

یکی از هنرهایی که می‌تواند در تربیت کودک سهم به‌سزایی داشته باشد، نقاشی است. نقاشی کردن فعالیت تقریباً غریزی است که در رشد هوشی و ذهنی کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است. بسیاری از پژوهندگان بر این عقیده‌اند که نقاشی کودک دریچه‌ای است که بر اندیشه‌ها و احساسات او گشوده می‌شود و می‌توان از نقاشی‌های او در سنجش شخصیت یا تشخیص نابسامانی‌های او استفاده کرد و در پی درمان آن‌ها بر آمد.

اهمیت نقاشی از این جهت است که به حقیقت ذاتی اشیاء از کلمات بسیار نزدیک‌تر است و درک آن بر خلاف نوشتن به کوشش و دقت زیادی نیاز ندارد. به زبان ساده‌تر، شکل یک خانه هر قدر هم بد کشیده شده باشد شباهت بیشتری از کلمه خانه به خانه واقعی دارد و چون کودک برای تجسم بخشیدن به اشیاء در مغزش بیشتر از نقاشی واقعی آن‌ها استفاده می‌کند، نقاشی می‌تواند در برقراری ارتباط با دنیای بیرون، نقش مهمی ایفا کند، در این کار سه بخش یعنی دست، چشم و مغز فعالیت دارد. کودک اندکی که بزرگ‌تر شد متوجه می‌شود کشیدن نقاشی به او امکان می‌دهد که اندیشه‌ها و یا به عبارت دیگر تأثیرپذیری از خاطرات و فرهنگ محیطش را نشان دهد. او به کمک نقاشی، دلهره‌های درونی‌اش را آشکار می‌سازد و به این طریق اثر مخرب آن‌ها را کاهش می‌دهد. به همین جهت برای رفع

بسیاری از مشکلات روحی و روانی فراگیران می‌توان از نقاشی استفاده کرد.

در مجموع هنر نقاشی با توجه به زبان نقاشی و تجسمی خود، کارایی‌های بسیاری در امر تعلیم و تربیت دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است: کودک از طریق فعالیت نقاشی به شناخت خود و جهان نائل می‌شود.

کشیدن نقاشی منجر به پرورش تخیل کودک می‌شود. از دیگر ویژگی‌های نقاشی، قابلیت آن در انتقال دانش‌های کودک است.

ایجاد سرگرمی سالم و لذت بخشیدن به کودک از دیگر آثار این هنر است.

شناخت محیط و فضای زندگی از دیگر کارکردهای مهم نقاشی است که کودک آن را به دست می‌آورد (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

کاربرد نقاشی در آموزش ریاضی

نقاشی کردن برای فراگیران ابتدایی، جذابیت خاصی دارد. شاید به این دلیل که نقاشی زیبا است و زیباتر آن‌که، نقاشی، فضایی است که در آفرینش آن، هندسه نقش اولیه را بازی می‌کند؛ پس ریاضیات هم زیبا است و می‌توان مفاهیمی چون اشکال هندسی و اندازه‌گیری را با روش نقاشی رسم به فراگیران ابتدایی یاد داد. در روش نقاشی رسم از فراگیران خواسته می‌شود با استفاده از اشکال هندسی و خط کش و وسایل نقاشی دیگر مثل مداد رنگی‌ها یک نقاشی بکشند.

این نقاشی‌ها برخلاف نقاشی‌های معمولی فراگیران هستند و در واقع ترسیمات هندسی در آن‌ها دیده می‌شود که با اندازه‌گیری دقیق رسم شده‌اند. در ابتدا از نقاشی‌های ساده‌تر برای آموزش یک مفهوم استفاده می‌شود بعد متناسب با مفهوم موردنظر می‌توان از نقاشی رسم‌های مناسبی استفاده کرد.

روش نقاشی رسم، باعث می‌شود که فراگیران در سال‌های بعد، قوه بالاتری برای تطبیق مسائل با

فراگیران برای پیدا کردن پاسخ پرسش‌هایی که در حین انجام فعالیت‌ها برایشان پیش می‌آید به منابع متنوعی نیاز دارند که برای پاسخ کنجکاوی‌هایشان به آن‌ها کمک می‌کنند.

سرمشق بودن معلم: وقتی معلم همراه با بچه‌ها کاوش و فعالیت‌های آنان را رهبری می‌کند، سرمشق مشاهده دقیق قرار می‌گیرد. وقتی فراگیران مشاهده می‌کنند که معلمشان مشغول انجام فعالیتی است که آن‌ها انجام می‌دهند، اطمینان پیدا می‌کنند که فعالیت آن‌ها کار مهم و با ارزشی است و معلم آنان در حینی که مشغول آموزش آنان است، خود نیز در حال یادگیری است.

موضوع نقاشی و شخصیت کودک: کودک با تمام وجود و شخصیت ذهنی و عاطفی خویش نقاشی می‌کشد. موضوعاتی که در نقاشی کودکان دیده می‌شود، آدم، خانه، درخت، خورشید، ماه، حیوانات و خانواده است؛ هنگامی که کودک شکل آدمی را می‌کشد، پیش از هر چیز شکل خود، یا درکی که از بدن و تمایلات را دارد بیان می‌کند؛ خانه نماد پناهگاه و هسته اصلی و گرمی خانواده است که ممکن است مورد علاقه یا تنفر کودک باشد؛ برای تحلیل نقاشی درخت باید سه قسمت آن مشخص شود: ریشه که نماد ناخودآگاه نشانه‌های درونی است، تنه که بیانگر مشخصات دائمی و عمیق پایدار شخصیت است و شاخه و برگ‌ها نیز بیانگر طریق ارتباطی کودک با دنیای خارج است. تصویر خورشید بیانگر امنیت، خوشحالی، گرما، قدرت و به نظر برخی نماد پدر مطلوب است؛ ماه، بیشتر نشانه نیستی است، زیرا او زمانی که خورشید یعنی نماد زندگی، ناپدید می‌شود، ظهور می‌کند.

ارتباط متن و تصویر: پاتریشیا سیان سیولو^۱، منتقد ادبیات کودکان، بر این باور است که نقاشی‌های کتاب کودک نباید خارج از متن حرکت کند؛ زیرا این کار، هدف اصلی کتاب را که خوانده‌شدن آن است، ناکام می‌گذارد. بنابراین باید نقاشی‌ها به شیوه‌ی مناسبی کمک کند تا پیام نویسنده بهتر رسانده شود. ارتباط با متن، ویژگی پایداری

اندازه‌گیری‌ها داشته باشند. در واقع این روش، قسمتی از مغز را فعال می‌کند که در سال‌های بعد به‌عنوان زمینه‌ای برای حل مسئله به کار می‌رود (کریستین و سبولا، ۱۹۹۵).

اصول نقاشی آموزشی

موارد زیر به تلفیق موفقیت‌آمیز نقاشی با آموزش کمک می‌کنند:

حق انتخاب و مالکیت: هر فراگیری علاقه‌های خاص خودش را دارد. زمانی که برای جهت‌دهی به فعالیت آموزشی، حق انتخاب وجود داشته باشد، آنان با پشتکار بیشتری وارد میدان می‌شوند. یکی دیگر از مؤلفه‌های دادن حق مالکیت به فراگیران، از علاقه طبیعی آنان به نقاشی، به‌عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بهره می‌گیرد. وقتی چیزی بچه‌ها را به هیجان می‌آورد، آن را کند و کاو می‌کنند.

پیوند علم و نقاشی: طراحی و نقاشی شیوه‌ای خلاقانه است که به کمک آن فراگیران می‌توانند میزان درک خود را نشان دهند. هدف از فعالیت نقاشی و نشان دادن الگو در یک کتاب آموزشی، تقویت آموخته‌های فراگیران و کمک به فراگیران برای دقت در جزئیات یک طراحی الگو و تفکر درباره آن می‌باشد. فراگیران از انگشتان، دست‌ها و چشم‌های خود استفاده می‌کنند تا خواندن و گوش کردن را با مشاهده‌ی خودشان پیوند بزنند. بچه‌ها اغلب میزان درک و فهمشان را از طریق نقاشی بهتر از سخن گفتن یا نوشتن بروز می‌دهند و در جزئیات برداشت‌ها و یافته‌های خویش غرق می‌شوند و با بررسی نقاشی‌های آنان می‌توان میزان رشد درک و فهمشان را ارزیابی نمود.

فراهم کردن منابع: مشاهده دقیق در طبیعت یک نکته است، ثبت آن مشاهدات روی کاغذ، نکته‌ای دیگر. نقاشی و نوشتن فراگیران را تشویق می‌کند، درباره آن‌چه که باور دارند، عمیق‌تر فکر کنند. این فرایند راه را برای آنان باز می‌کند تا یک نظر یا مفهوم را بررسی و کندوکاو کنند. در این هنگام پرسش‌های زیادی در ذهنشان شکل می‌گیرد.

است تا نقاش را از آزادی عمل زیاد دور سازد و او را ناگزیر سازد تا ضمن دستیابی به استقلال نسبی خود در چگونگی خلق تصویر، پیروی از متن را در بازگویی تصویری محتوا، الگوی خود قرار دهد (موسوی، ۱۳۹۴).

نقاشی در کتاب‌های درسی

نقاشی کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین شاخه‌ها است. اهمیت این شاخه از نقاشی به دلیل فراگیر بودن آن است. کتاب‌های درسی در سراسر کشور توزیع می‌شوند و همه کودکان و نوجوانان این سرزمین از آن بهره می‌گیرند. این کتاب‌ها بخش عمده‌ای از زندگی کودکان و نوجوانان را پر می‌کنند. پس در طراحی و تهیه آن‌ها باید نهایت دقت را به عمل آورد از سوی دیگر، هر چند سال یکبار باید به طور همه‌جانبه این کتاب‌ها را مورد تجدیدنظر قرار دهیم و در بهتر شدنشان بکوشیم. نقاشی در کتاب‌های درسی ویژگی‌های خاص خود را دارد، از جمله:

۱. هماهنگی با هویت موضوعی کتاب

هویت موضوعی هر کتاب را مضمون آن کتاب تشکیل می‌دهد. به همین جهت، کتاب‌ها از جهت موضوع به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. مثلاً بعضی از کتاب‌ها به موضوعات علمی می‌پردازند. پس طبیعتاً هویت موضوعی این کتاب‌ها علمی است؛ مانند کتاب علوم تجربی در دبستان. از آن‌جا که این کتاب دارای هویت موضوعی خاص خود است، نوعی از نقاشی را طلب می‌کند که با آن سازگاری و هماهنگی داشته باشد. کتاب علوم تجربی با بیانی ساده و در خور فهم کودک مسائل علمی را تشریح می‌کند و به او می‌آموزاند. نقاشی‌هایی که برای این کتاب تهیه می‌شود باید در خدمت بیان هر چه بهتر موضوع باشد. به طور قاطع، نقاشی کردن چنین کتابی، با یک کتاب ادبی لطیف یا داستانی خیالی باید تفاوت داشته باشد. اگر در نقاشی یک کتاب، به هویت موضوعی آن توجه نشود نقاشی‌هایی به وجود می‌آید که نه تنها هماهنگی لازم با مضمون کتاب را نخواهد داشت،

بلکه ممکن است تفاوت و ناهماهنگی چنان باشد که ما نتوانیم رابطه‌ای میان نقاشی و متن بیابیم.

نقاشی این قابلیت را دارد که به شکل‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت ظاهر شود و در کتاب‌های گوناگون با موضوعات مختلف رخ بنمایاند و مدد‌رسان ما در جذب و فهم مطلب به کودک باشد. همان‌گونه که به‌خاطر توجه به موضوع، کتاب‌ها را تفکیک کرده‌اند، نقاشی‌ها نیز باید مستقل‌تر و دارای ارتباط بیشتر با کتاب و موضوع آن باشند. باید نقاشی کتاب فارسی یا نقاشی کتاب علوم تجربی و یا حتی کتاب تاریخ تفاوت داشته باشد. گذشته از ضرورت توجه به هویت موضوعی کتاب، استفاده از شیوه‌های مختلف نقاشی بر غنای نقاشی کتاب می‌افزاید و تجربه بصری کودک را گسترش می‌دهد. دیدن نقاشی‌های مختلف و تکنیک‌های گوناگون می‌تواند دامنه تخیلات کودک را گسترده‌تر کند و افق‌های تازه‌ای از دنیای نقاشی به‌روی او بگشاید. با توجه به نامحدود بودن تکنیک‌های نقاشی، می‌توان به طور دقیق به مسأله هویت موضوعی توجه کرد و از دیگر مزایای تنوع نقاشی در جهت بارور کردن ذهن کودک سود جست.

۲. بهره‌گیری از ویژگی تخیل‌برانگیز بودن نقاشی

یکی دیگر از ویژگی‌های نقاشی می‌تواند تخیل‌برانگیز بودن نقاشی باشد. فقدان نقاشی‌هایی از این دست بدون شک به میزان زیادی از توجه کودکان نسبت به کتاب خواهد کاست. حال این‌که چنین نقاشی‌هایی کودک را سخت مجذوب می‌کند و او را بارها به دیدن و اندیشیدن دعوت می‌کند. روان‌شناسان می‌گویند کودک در مراحل رشد خود نیازمند خیال‌پردازی است. به همین جهت است که کودکان دلبسته افسانه‌ها و قصه‌های خیالی هستند و همیشه با دقت چنین قصه‌هایی را گوش می‌دهند. نقاشی لطیف و خیال‌انگیز نیز اگر با دقت و آگاهی و هوشیاری طراحی و اجرا شوند، در این مورد دست کمی از افسانه‌ها نخواهند داشت.

دکتر «بلتهایم برونو»^۱، می‌گوید: «اساساً افراد با دیدن نقاشی در تخیل فرو می‌روند». اما بدون شک نوع نقاشی در شدت و ضعف برانگیزانندگی قوه تخیل دخیل هستند. در کتاب‌های درسی دبستان قصه‌ها و شعرهای لطیف و زیبای فارسی تقریباً با همان سبک و سیاقی نقاشی شده‌اند که مابقی کتاب‌ها و متن‌ها این‌گونه نقاشی راه تخیل را بر ذهن کودک می‌بندد. نقاشی‌هایی که نه تنها چیزی را بر متن نمی‌افزایند، بلکه راه اسب‌گریز پای تخیل کودک را به نقاشی‌هایی می‌بندند که خالی از هرگونه لطف و اجازه‌ی کودکانه است. حال آن‌که نقاشی رؤیایی، اگر با قصه، شعر و یا متن تناسب داشته باشد، بر غنای مفهومی قصه می‌افزاید.

نقاشی خیال‌انگیز باعث فعال‌شدن ذهن کودک می‌شوند و در خیال می‌توانند دست به آفرینش بزنند. او آن‌چه را که می‌خواهد در نقاشی می‌بیند. چیزهایی را می‌آفریند و ساعت‌ها محو نقاشی می‌شود، در اینجا نقاشی نه تنها ذهن او را محدود نمی‌کند، بلکه به گستره ذهن و تخیل او دامنه وسیع‌تری می‌بخشد. به این ترتیب او در عالم ذهن خود هر چه را بخواهد، خلق می‌کند.

۳. ایجاد رابطه عاطفی کودک با نقاشی

ضرورت برقراری رابطه عاطفی کودک با نقاشی از ویژگی‌های ضروری نقاشی می‌باشد. نقاشی خوب علاوه بر داشتن ویژگی‌های هماهنگ با موضوعی و تخیل برانگیزی بایستی بتواند از جهت عاطفی نیز با کودک ارتباط برقرار کند. اگر نقاشی این رابطه عاطفی را برقرار نکند، نه تنها کودک قصه را به طور قلبی نمی‌پذیرد، بلکه با دیدن نقاشی‌هایی بی‌حس و بی‌رمق دچار تردید می‌شود و حتی به تخیل خود نیز مجال نخواهد داد که شخصیت‌ها را آن‌گونه که می‌خواهد خلق کند.

برانگیختن حس کودک و او را تحت‌تأثیر قرار دادن به‌وسیله نقاشی در درک فضا و مفهوم و پیام قصه بسیار کارساز است. عدم برقراری ارتباط عاطفی میان نقاشی و کودک باعث می‌شود، به طور ناخودآگاه در وجود کودک

اهمیت متن کاسته شود. او هنگامی که با نقاشی ارتباط برقرار نمی‌کند، رغبت چندانی به خواندن متن نمی‌یابد. اما، هنگامی که ارتباط لازم با نقاشی برقرار شد، او در صدد بر می‌آید که راز آن کودک را که هراسان نقاشی شده، دریابد. او خود به‌خود جذب کتاب خواهد شد چون در نقاشی کتاب غم، شادی، دوستی، تنهایی و همه چیزهای دیگری را که می‌شناسد و تجربه کرده‌است، وجود دارد. پس کتاب برایش دنیایی خواهد شد پر از موجودات زنده، موجوداتی که دوستشان دارد (پژوهشی، ۱۳۷۳، ص ۳۹ تا ۴۳).

نتیجه‌گیری

امروزه بیشتر نقاشی‌هایی که کودک با آن‌ها سر و کار دارد، نقاشی‌هایی است که از تلویزیون و رایانه دریافت می‌کند. این دو وسیله، فرصت لذت‌بردن از نقاشی را در کودک محدود و بهره‌گیری او از کتاب را دشوارتر کرده‌اند. در نتیجه کودک به راحتی گذشته نمی‌تواند با بسیاری از کتاب‌ها ارتباط برقرار کند. به همین دلیل است که نقاشی کتاب کودک این روزها پیچیده‌تر از گذشته شده‌است.

نقاشان برای ایجاد ارتباط بهتر با کودک لازم است، ضمن اتکا به تجربه‌های درونی خود با برخی شیوه‌های اجرایی روز نیز آشنا باشند و با تجهیز ذهن خود به دانش روان‌شناسی، موفق‌تر عمل کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، کودک نقاشی‌هایی را بیشتر می‌پسندد که شرایط کنونی را نقاشی کند، اما در عین حال با تخیل همراه باشد و از اغراق‌های بامزه و خنده‌دار بهره‌گیرد.

همان‌طور که قابل‌پیش‌بینی است، کودک امروز، نقاشی رنگی را بیشتر دوست دارد، که البته باید توصیف‌های متن از قبیل شخصیت‌سازی‌ها و فضاسازی‌ها نیز در نقاشی لحاظ شود و با این روش، به ارائه جزئیات بیشتر بپردازد. باید توجه داشت که نقاشی کتاب با ویژگی‌های مطرح شده، سطح بالاتری از تفکر و تخیل کودک را بر می‌انگیزد و بر این اساس، امکان درک معنا و اهمیت آن را افزایش

منابع

- الماسی، مهدی. (۱۳۹۰). آموزش هنر به روش تحلیل و بررسی آثار هنری با نیم نگاهی به کتاب هنر مدرن. مجله رشد آموزش هنر، ۸(۴): ۵۷-۵۹
- پژوهشی، اردشیر. (۱۳۷۳). تصویرسازی کتاب‌های درسی (نگاهی به تصاویر کتاب‌های فارسی دوره دبستان)، رشد معلم، شماره ۱۰۲: ۴۸-۴۶
- شانان، ماری استین. (۲۰۰۱). آموزش علوم با نقاشی. ترجمه حسن سالاری. رشد آموزش ابتدایی، سال هفتم شماره پنجم.
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۴). ارزشیابی شخصیت کودک براساس آزمون‌های ترسیمی.. تهران: انتشارات رشد.
- لس هیوود و همکاران. (۱۳۸۰). اوقات فراغت. ترجمه محمد احسانی. تهران: نشر امید دانش.
- اولیوریو فراری، آنا. (۱۳۸۵). نقاشی کودکان و مفاهیم آن. ترجمه عبدالرضا صرافان. تهران: انتشارات دستان.
- جودیت لسک و برایان لسک. (۱۳۸۸). درسنامه مددکاری اجتماعی و روانپزشکی کودک؛ ترجمه سید جلال صدرالسادات، ابوالفضل سعیدی، سعید حسن زاده. تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنائی.
- سلطانی، فاطمه. (۱۳۸۷). اثر هنر در تربیت. نشریه نگاه. وزارت آموزش و پرورش. شماره ۳۵۰، ص ۱۲.
- کریستین، داگلاس جی و سبولا، آماگروز. (۱۹۹۵). بهبود بخشی دستاوردهای فراگیران در ریاضیات (مجموعه رویه‌های آموزشی)، دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۰).
- موسوی، فرانک. (۱۳۹۴). اصول تهیه برنامه های آموزشی، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه آزد اسلامی واحد کرمانشاه

می‌دهد تا بتواند گامی فراتر از نویسنده و نقاش بردارد (لس هیوود و همکاران، ترجمه احسانی، ۱۳۸۰). بنابراین اگر موضوعی ارزش سهم شدن با کودک را دارد، لازم است هوشمندانه تهیه و انتخاب شود. تمامی این‌ها نقاش را ملزم می‌کند تا درک درستی از کودکی خود و کودک امروز به دست آورد. نقاشی در واقع پل ارتباطی میان دنیای درون و بیرون کودک است و بر این اساس، چگونه دیدن، خوب دیدن و درک لایه‌هایی فراتر از سطح را به او می‌آموزد.

همچنین، باید کودک را به کشیدن نقاشی، تشویق کرد؛ کودک از طریق نقاشی مکنونات درونی خود را روی کاغذ می‌آورد که همین امر موجب رشد قوه نوآوری و خلاقیت در کودک می‌گردد. کودکان در سنین پایین‌تر، قبل از نقاشی کردن به صورت کامپیوتری و مجازی از طریق نرم‌افزار، بهتر است به صورت مداد و کاغذ نقاشی بکشند، زیرا مهارت‌های دست‌ورزی باید در آنان تقویت شود.

پیشنهادهای

۱. موضوع نقاشی، متناسب با فهم مخاطب باشد.
۲. در انتخاب موضوع به شئون اجتماعی اқشار مختلف و توازن جنسیت‌ها توجه شود.
۳. تا حد امکان دارای ویژگی‌های هنری و متنوع باشد.
۴. ملاحظات ارزشی در انتخاب و طراحی آن مد نظر قرار گیرد.
۵. با موضوع موردنظر ارتباط و هماهنگی داشته باشد و از توضیحات کافی برخوردار باشد.

Catterall, J. S. (1998). "Involvement in the Arts and Success in School." The Journal of Educational Research.

Eisner, E. W. (2002). "The Arts and the Creation of Mind." Yale University Press.

Gardner, H. (1993). "Multiple Intelligences: The Theory in Practice." Basic Books.

Eisner, E. W. (2002). *The Arts and the Creation of Mind*. New Haven: Yale University Press.

Catterall, J. S. (1998). Involvement in the Arts and Success in Secondary School. *Studies in Art Education*, 39(1), 12-22.

Gardner, H. (1993). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligences*. New York: Basic Books.

Katz, L. G. (1996). "Art and the Development of Young Children." *Young Children*.

Lowenfeld, V., Brittain, W. L. (1987). "Creative and Mental Growth." Macmillan.

Miller, K. (2007). "Art and the Child: A Guide for Teachers." Thomson Delmar Learning.

Lowenfeld, V., Brittain, W. (1987). *Creative and Mental Growth*. New York: Prentice-Hall.

Quarterly Journal of Educational Psychology
Islamic Azad University Tonekabon Branch
Vol. 11, No. 2, summer 2020, No 42



Journal of Educational
Psychology

Educational painting, pleasant education for children

Faranak mosavi¹

1) Associate Professor, Department of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Painting is an art in which the child shows his mental imagery around, with the help of shape and color. The painting of the child is essentially a message and transmits it to us as a tool that he can not translate into words. In fact, with a tool like painting, the child examines all his life's experiences. Draw lines are a reflection of his emotional and emotional world. In general, it can be said that painting involves the creation of a phenomenon that does not exist and that man possesses the means from which it possesses the phenomenon from being to nothing. Painting and, in general, visual art, are used as a means of exhilaration, emotional evacuation, and the presentation of thoughts, and of showing emotions, conflicts and inner desires. Sometimes the painting transcends the foot book from the material, and in addition to contributing to the comprehension of the story, it also transmits information or a sense to the viewer. The purpose of this paper is to review the history, goals, elements, tools, benefits, characteristics, the use of painting in educational activities, the principles of painting painting and the presentation of suggestions and conclusions.

Keywords: painting principles, educational painting, blended learning
